

پنجشنبه ۱۶ فروری ۲۰۱۷

ناتور رحمانی

درخت

درخت خودش را برای آسمان

تعریف می کند

ستاره ها شاخه هایش را آزین

می بندند

وقتی شیدای برسینه ی پُر از شیارش

دل تیر خورده را رسم می کند

اشک حسرت درهر برگش

شبم می شود

وقتی گنجشک های عاشق از لابلای شاخه ها

از عشق می خوانند

درخت از اشتیاق به خود می لرزد

وقتی من به سایه اش می نشینم

سایه روشن همه خاطره ها به امتداد قامت اش

راه می کشند

نمی خواهم تن درخت با تبر آشنا شود

نفرین به تبار تبر .

(ناتور)

